

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ک. ابراهیم
۲۶ دسمبر ۲۰۱۸

علم بدون عمل، درخت بدون ثمر است

این تجربه تاریخی را شاعران ما قرن‌ها پیش در ایران سروده اند که درکی علمی جهانی است. با توجه به این که آموزش کمونیسم علمی به مفهوم قبول بینش ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی در به عمل درآوردن مبارزات طبقه کارگری باشد، ضرورت محکم به دست گرفتن راه های حل به اثبات رسیده این تئوری علمی و به کار بردن آن در عمل است که کیفیت کمونیست بودن ما را نشان می دهد. از جمله ایجاد حزب سیاسی پیشرو طبقه کارگر یکی از اولین رهنمودهای این اصل طبقه کارگری باشد. عدم به کار گیری چنین تعهد علمی پرولتاریائی به صورتی که، عمل نکردن تعدادی از تشکلهای نیروهای چپ در ایران در قالب پلورالیسم سیاسی و رویزیونیسم را آشکار می سازند معنائی جز عدول از این آموزش نمی باشد.

کمونیسم علمی تجربه پیروز ساختن حزب بلشویک روسیه را به مثابه آفتاب آمد، دلیل آفتاب به طور درخشانی صحت خود را نشان داد که توسط لنین رهبر کبیر پرولتاریا در کشور سرکوبگر تزاری مرتجع، نمونه ای شد برای به اجراء درآوردن آن و تلفیق این آموزش با شرایط مشخص هر کشور از طریق: وحدت روی اصول کمونیسم علمی و سپس نکات اساسی برنامه و تاکتیک آن کشورگام اول در ایجاد حزب طبقه کارگر روسیه و در گامهای بعدی تعمیق دیگر نکات مربوط به ستراتیژی و تاکتیک انقلاب با تکیه به روش پرولتری با اجرای مرکزیت - دموکراتیک در تصمیم گیرها در درون حزب در پیشبرد وظائف انقلابی پرولتاریا.

این روش کمونیستی زمینه مناسبی را در تقویت و تحکیم پیشروی حزب بلشویک و گسترش پایه توده ئی در میان طبقه کارگر و توده های زحمت کش به وجود آورد. این پراتیک پیروز ایجاد حزب طبقه کارگر، نمونه علمی مثبتی در دیگر کشورها - از جمله در ایران و در چین - جهت ایجاد، تقویت وحدت نظری و عملی حزب گردید. اما پس از تأسیس حزب کمونیست، سرکوب شدید در ایران به علت اتخاذ برنامه و تاکتیک نادرست، با گذشت نزدیک به ۸۰ سال پس از آن سرکوب، مدعیان کمونیست هنوز در خم یک کوچه در سردرگمی ایجاد حزب قرار دارند:

در ایران، با وجودی که بعد از به کارگیری درست اول کمونیسم علمی در ۱۲۹۹ با ایجاد حزب کمونیست ایران و تشکلهای سندیکائی کارگری توانستند به ایجاد جمهوری سرخ در گیلان همراه با نیروهای بورژوائی - خرده بورژوائی میرزا کوچک خان در ابتداء پردازند که در ادامه کار به دلیل عدم به کارگیری کمونیسم علمی در تحلیل مشخص از شرایط مشخص در ارزیابی درست توازن نیرو بین قوای انقلاب و ضد انقلاب، به علت چپ روی برخی از فرماندهان

نظامی در سازماندهی حمله نظامی به سوی تهران با شکست سختی از نیروهای نظامی مرتجع حاکم رو به رو شده و با رشد اختلاف با نیروهای غیرکمونیزست جنبش در گیلان با تفرقه مواجه شد و سرکوب حزب کمونیست ایران با روی کارآمدن رضا خان قزاق آغاز گشت. امری که نشان داد بدون پیش بردن سیاست درست پرولتری، پیروزی سهل و آسان حاصل نمی شود. درحالی که حزب کمونیست چین در مبارزه درون حزبی با مبارزه اصولی با دو خط اپورتونیستی چپ و راست در درون حزب خط درست غالب شده و تا سال ۱۹۷۶ آن حزب تحت رهبری اندیشه مائو با پیش روی همراه گردید. اما پس از درگذشت مائو، با غلبه خط اپورتونیستی - رویزیونیستی سه جهانی تن سیائو پین حرکت سرمایه داری شدن کشور بزرگ چین آغاز شد.

اما درایران، پس از سرکوب حزب کمونیست ایران توسط رژیم سلطنتی رضا شاه پهلوی و اشغال ایران در شهریور [سنبله] ۱۳۲۰ در جریان جنگ جهانی دوم نیروهای متفقین وضعف رژیم سلطنتی، شرایط مساعدی برای ایجاد حزب کمونیست به وجود آمد. ولی بقایای حزب کمونیست با نیروهایی که ماهیتی سوسیال دموکراتیک و رفرمیستی داشتند حزبی به نام حزب توده ایران را تأسیس نمودند. مبارزه ایدئولوژیک در درون این حزب در دهه ۱۳۲۰ در رابطه با تغییر ماهیت پرولتری آن شروع شد ولی کیفیت کادرها آنچنان نبود که این مبارزه را به سوی خط مشی و رهبری کمونیستی سوق دهند. بعد از پایان جنگ امپریالیستی و بیرون رفتن متفقین از ایران، علی رغم سازماندهی وسیع حزب توده و نهایتاً با غلبه رویزیونیسم مدرن و سرکوب شدید بعد از ۲۸ مرداد [اسد] ۱۳۳۲، سردرگمی و بدبینی سختی نسبت به ایجاد حزب کمونیست و جنبش کارگری در ایران بدون درک عمیق از عامل اصلی، در کنار گذاشته شدن حزب سازی، در به کار گیری اصول کمونیسم علمی و نه بدبینی از حزب کمونیستی بود.

در دهه ۱۳۴۰، خانه تکانی در حزب رویزیونیست توده در هماهنگی با جنبش کمونیستی جهان برای ایجاد حزب کمونیست درایران به وجود آمد که انشعاب از حزب توده در خارج از کشور به وقوع پیوست در مبارزه علیه رویزیونیسم مدرن در طرد دنباله روی رهبری حزب توده از رهبری حزب رویزیونیست شوروی. ولی به دلیل درک نازل از محکم به دست گرفتن اصول کمونیستی، اصول فرقه گرایی در میان ضد رویزیونیستها شروع شد. در این میان سپس با بروز جنبش جنگل و سپس جنبش فدائی به جای مبارزه با سازماندهی در تشکیل حزب کمونیست، شعار " مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی؛ هم تاکتیک" خط جدا از سازماندهی کارگران و توده ها، خط ماجراجویی را انتخاب کردند و علی رغم فداکاریها بدانجا رسیدند که ایجاد حزب کمونیست را محول به بعد از پیروزی انقلاب نمودند. اما بخش بزرگی از این حرکت، متمایل به سطح رویزیونیسم گشته و حتا بخش معروف به فدائیان اکثریت با بقایای رهبران حزب توده متحد گشتند و بقایای دیگر به دو بخش مدافعان "مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک" تکه تکه شدند. این بخش از فدائیهها در ایجاد حزب کمونیست گامی جدی به جلونگذاشته و علی رغم تکه تکه شدن غرق در خود مرکز بینی در سطح فرقه های خودی گشتند و گروه دیگری نیز از درون این جنبش به نام راه کارگر به وجود آمد. علاوه بر جماعت وسیع فدائی سازمانهای مختلف دیگری که قبل و بعد از انقلاب بهمن [دلو] ۱۳۵۷ به وجود آمده بودند تنها خود را کمونیست می دانستند، سرکوب شدند. اما کمونیسم علمی را قاطعانه در ایجاد حزب با خصلت خود مرکز بینی، باخود حمل نکرده و توسط رژیمهای سرکوبگر سلطنتی و جمهوری اسلامی از پا درآمدند.

در اواخر دهه ۱۳۵۰ جنبش شبه تروتسکیستی حيله گرانه ای با ظاهر کارگر - کارگری و نفی تجارب گذشته جنبش کمونیستی جهانی، ولی خودمرکز بین به وجود آمد و چون پایه ای نداشتند با شکار سازمان انقلابی کردستان ایران که در مبارزه مسلحانه ای در کردستان علیه دو نظام سلطنتی و اسلامی - کومه له -، پرداخته و از اعتبار خاصی در میان توده ها برخوردار بودند با برچسب پوپولیستی بودن و تحقیر آن شروع به از نفس انداختن آن مبارزه مسلحانه و تحت عنوان

تمرکز کار در میان کارگران در شهرها که در سطح حرف باقی ماند به ایجاد حزب با خط شبه تروتسکیستی باهم دعوت نمودند. درحالی که این دو مبارزه در میان کارگران و پیش بردن مبارزه مسلحانه ضد یک دیگر نبودند. بدین منظور ایجاد حزب کمونیست را با کومه له مطرح ساخته و برنامه ای هم تهیه نمودند.

علی رغم پیشنهاد حزب رنجبران ایران در ده بیژوه کردستان قبل از تشکیل حزب آنان، که پیشنهاد برگزاری جلسه مشترک با نیروهای مختلف چپ بحث برسر وحدت با دیگر نیروها قبل از ایجاد حزب واحد کمونیست ایران بود، جواب مثبت ندادند و پیوستن دیگر تشکلهای را به برنامه آنها تنها راه حل ایجاد حزب دانستند. اما، آنها نیز پس از چند سال پس از ایجاد حزب کمونیست بدون پایه کارگری، کاریکاتور غیر کارگری طبق اقرار خودشان منفجر شدند. امری که نشان داد این حزب نیز از هیچ استحکام ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی کمونیستی برخوردار نبوده و تشکیل چند حزب کمونیست و نیروهای دیگر سوسیالیست از این جریان نشان دادند که نسبت به آموزشهای کمونیسم علمی بیگانه هستند و مصمم در پیاده کردن شبه تروتسکیسم و گروه گرائی به فرقه گرائی آلوده می باشند.

تلاشهای بعدی گروههای مختلف باقی مانده از حرکتی گذشته مدعی کمونیست بودن از بقایای تشکلهای چپ در نزدیک به ۲۰ سال اخیر، علی رغم تلاش حزب رنجبران ایران با شرکت در گرد هم آمدن این تشکلهای به خاطر وحدت براساس اصول کمونیسم علمی، دست برداشتن از فرقه گرائی و طبق رهنمود لنین بعد از مذاکره روی وحدت روی اصول کمونیسم علمی و وحدت روی نکات اساسی برنامه و تاکتیک وحدت ایجاد حزب واحد کمونیست را در پیوند با و شرکت کارگران کمونیست برپا داریم در پیوند فشرده با جنبش کمونیستی و کارگری ایران، تشکلهای تحت عنوان "اتحاد نیروهای چپ و کمونیست" و کلا اتحادی سیاسی و نه ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی - سبک کاری متکی بر مرکزیت - دموکراتیک با بروز اختلاف نظری از هم پاشیده شدند. امری که نشان داد تا زمانی که فرقه گرائی مد روز باشد و این نیروها در حفظ خود پافشاری کنند، در مقابل ایجاد حزب کمونیست خواهند ایستاد که نشانه اعتقاد عمیق به چاهی است که توسط بورژوازی و خرده بورژوازی کنده و رویش را پوشانده، و تشکلهای چپ را به سرگردانی در افتادن به این چاهها دعوت می کنند تا یکی بعد از دیگری از پا در آیند. مبارزه ایدئولوژیک حزب رنجبران ایران در دعوت به مبارزه ایدئولوژیک درون این گردهم آییها در وحدت اثربخش نشد و به دلیل اختلافات فرقه ئی این تجمعها از هم جدا شدند.

درحالی که فقط حرکت کارگران کمونیست است که می تواند با صلابت این فرقه ها و آشفتگی آنها را عریان کرده و دست کمونیستهای دیگر ایران را در عضویت یابی به این حرکت راستین کمونیستی در ایجاد حزب کمونیست واحد راه نما گردند. امری که این حرکت درخشان از طرف کارگران کمونیست در دهه اخیر شروع شده و دوران جدید پر افتخاری آغاز گشته است. این حرکت اصولی کارگران کمونیست از داخل کشور گروه گرایان خارج از کشور که در تمام این دهها سال در تجمعهای فوق شرکت داشتند، برای تداوم به فرقه گرائی دوباره در حد چند تشکل محدود دوباره با اعلامیه و پلاتفرم دهی حتا بدون در نظر گرفتن مبارزه آشتی ناپذیر ایدئولوژیک سخت با خیابانی استحکام حزبی چنین تجمعی با وفاداری به فرقه گرائی بار دیگر از هم جدا خواهند شد. اینها اگر راست می گویند که کمونیستند چرا به دستور کمونیسم علمی پاسخ روشن وفاداری و عمل کردن به آن نمی دهند؟

بدین ترتیب پراتیک این تجارب سخت فرقه گرائی چندین بار ثابت نموده است که حرکت روی تجارب غیر کمونیستی نتیجه ای جز افتادن از چاله ای به چاه دیگری ندارد و خوشبختانه با حضور کارگران کمونیست و ارائه نوشته عمیقی از جانب رفیق جانباخته شاهرخ زمانی این آلترناتیو را در برابر کمونیستها قرار داد که دیگر عرصه گروهی گری - بقایائی از فدائی، بقایائی از حکمتیستی، بقایائی از راه کارگری - ربطی به مبارزه کارگران ندارد و ایجاد حزب کارگری

از فعالیت در حیطه کارگران می گذرد و از این طریق فرقه گرایان را نه تنها با ادامه این طرز فعالیت خرده بورژوائی با مشکل روبه رو نموده است..

بنابر این براساس پیشنهاد تئوری کمونیسم علمی ضرورت دارد کسانی یا تشکلهائی که معتقد به ایجاد حزب هستند قبل از هر چیزی در یک جا باهم مشورت کنند و ببینند تا چه حدی از نظراسول با هم وحدت دارند و درنکات اساسی نیز چه دید مشترکی دارند آنگاه است که زمینه وحدت برنامه ئی براساس مرکزیت دموکراتیک رأی گیری معلوم شده و می توانند سر وحدت با کارگران را شروع بکنند در ایجاد حزب کمونیستی که، نماینده واقعی طبقه کارگر باشد.

ک.ابراهیم -۸ آبان [عقرب] ۱۳۹۷ (۳۰ اکتوبر ۲۰۱۸)